

بناهای وقفی مراغه در دوره ایلخانی (با نگاهی نوبه مجموعه وقفی رصدخانه)

بهزاد مهدی زاده^(۱)

حسین ناصری^(۲)

چکیده:

شهر مراغه به عنوان اولین پایتخت ایلخانان مغول جایگاه خاصی را در تحولات عصر ایلخانی به خود اختصاص داده است. این جایگاه در حوزه معماری و شهرسازی با مسأله وقف گره خورده است. لذا به موازات رشد و توسعه بناهای شهری با محوریت سنت وقف در دوره ایلخانی، مراغه به عنوان پیشتاز این عرصه مطرح است و این پیشتازی را با چهار بنای وقفی شاخص نشان داده است؛ که اولی به نام مجموعه رصدخانه در بیرون بافت شهر و دیگر بناها درون بافت مرکزی شهر قرار داشته‌اند. با توجه به اهمیت بناهای وقفی در دوره ایلخانی، لزوم تبیین نقش آن‌ها در بافت مراغه احساس می‌شود. به عقیده نگارندگان، بناهای وقفی مذکور موجب گسترش شهر به سمت غرب و شمال آن شده‌اند و به رشد شهر در این قسمت‌ها کمک کرده‌اند. چرا که در شهرهای اسلامی ایران، مسجد، مدرسه و بازار از مهم‌ترین بناهای شهرها محسوب شده و وقفی بودن این بناها موجب افزایش کارکرد آن‌ها در بافت شهر می‌شده است. در این تحقیق سعی گردیده تا ضمن معرفی بناهای وقفی، با استفاده از گزارشات منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی به این مسأله پرداخته شود. در این راه از منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی برای شناسایی هویت بناها (به لحاظ وقفی بودن) و موقعیت تقریبی آن‌ها در بافت شهر استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها:

بافت مراغه، بناهای وقفی، منابع مکتوب، مجموعه رصدخانه.

مقدمه:

پدیده وقف به عنوان یکی از عناصر چهره پرداز شهرهای ایران تأثیر چشمگیری در شکل دهی به محیط‌های مصنوع انسانی و فضاهای کالبدی شهرها داشته است. در قرن ۷ ه.ق با روی کار آمدن ایلخانان موقوفات در سطحی گسترده گسترش یافته و به وجود آمدند؛ ویژگی خاص آن‌ها این بود که نام دولتمردان ایلخانی را جاودانه می‌کردند؛ مثل موقوفات شام غازان و ربع رشیدی در تبریز^(۳). سنت وقف در این دوره مثل یک سند یا قباله زمین عمل می‌کرد و به بناها هویت و اعتبار می‌بخشید که نمونه آن در شهرهای سلطانیه، تبریز و اوجان دیده می‌شود. در این میان شهر مراغه به عنوان اولین پایتخت ایلخانان مغول جایگاه خاصی را در تحولات عصر ایلخانی به خود اختصاص داده است. چه به لحاظ هنری و معماری و تحولات ناشی از آن و چه به لحاظ سیاسی به عنوان نخستین پایتخت جهان اسلام پس از فروپاشی دستگاه مقتدر خلافت عباسی در بغداد. بنابراین می‌توان یک ارتباط منطقی بین تحولات سیاسی این دوره و نتایج آن بر روی بافت شهرها برقرار کرد. در مراغه این ارتباط به وسیله مجموعه وقفی رصدخانه مراغه برقرار می‌شود. بنای رصدخانه اولین بنای وقفی مهم دوره ایلخانی است که اندیشه‌های خواجه نصیرالدین طوسی و هلاکو خان مغول در ایجاد آن نقش داشتند. تصور بر این است که این مجموعه با وجود دوری نسبی آن از بافت مرکزی شهر، مرتبط با فضای شهر بوده و بر آن تأثیر گذاشته است. در این مقاله سعی شده است به این مهم پرداخته شود و ارتباط تحولات و تغییرات سیاسی و اجتماعی عصر ایلخانی با تحولات شهر مراغه با محوریت مجموعه رصدخانه بیان شود.

پیشینه و اهداف پژوهش:

در خصوص تأثیر وقف بر بناها و بافت شهرهای ایران تحقیقات مختلفی صورت گرفته است. از آنجا که در دوره ایلخانی سنت وقف با توسعه و رشد زمین‌های

شهری پیوند تنگاتنگی داشته است، لذا شایسته است هر یک از این بناهای وقفی در بافت شهرها به صورت جداگانه بررسی و تحلیل شوند. در خصوص بافت شهر مراغه در دوره اسلامی تحقیقات مختلفی صورت گرفته است که البته در این نگارش مجال ذکر آن‌ها نیست. اما در ارتباط با مسأله وقف و تأثیر آن بر بافت مراغه تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و این مقاله که بخشی از آن از پایان نامه نگارنده^(۴) اخذ شده است، اولین پژوهش در این زمینه می‌باشد و در آن سعی شده است تا نوع و میزان تأثیرگذاری بناهای وقفی مراغه بر بافت شهر در دوره ایلخانی بیان شود. چرا که به عقیده نگارنده بنای وقفی رصدخانه موجب گسترش شهر به سمت غرب شده است و به رشد شهر در این قسمت کمک کرده است. بنابراین سعی خواهیم کرد تا با استفاده از گزارشات منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی به این مسأله پرداخته شود.

بناهای وقفی در راستای توسعه شهرسازی دوره ایلخانی

در دوره ایلخانی ما با یک وقفه کوتاه مدت در معماری شهری و شهرسازی روبرو هستیم که پس از استقرار کامل ایلخانان مغول در ایران، دوره جدید تحول معماری ایران شروع شد که سه ویژگی مهم به لحاظ «حضور حاکمیت جدید» داشت:

۱. تغییر در شیوه ساخت بناها.
۲. انتقال مرکزیت ثقل شهرسازی به شمال غرب ایران (آذربایجان).
۳. غلبه بناهای مذهبی (اکثراً مسجد و مدرسه) بر دیگر بناها. سبک آذری که در این دوره شکل گرفت عصاره نوآوری‌ها و ابداعات معماری دوره ایلخانی را به نمایش می‌گذاشت^(۵).

جدول ۱- ملاک‌های ایلخانان در گزینش پایتخت‌هایشان (ترسیم از: نگارنده)

توضیحات	دلایل انتخاب
توجه به مناطق خوش آب و هوا با پوشش جنگلی و گیاهی زیاد مثل مراغه	جغرافیایی
توجه شاهان ایلخانی به امر تجارت و ساخت کاروانسراها برای این منظور؛ توجه به مسیر جاده ابریشم در مکان‌گزینی شهرها	اقتصادی و بازرگانی
برخی از شهرهای حاکم نشین صرفاً جهت نشان دادن قدرت و نمادی از ایلخان بود (اوجان و سلطانیه)	سیاسی و حکومتی

یکی از ویژگی‌های معماری این دوره، احداث بناهای با اهمیت در مکان‌های مرتفع شهرهاست، از جمله مقابر خان‌های مغولی، مقابر عرفا و مجموعه‌های وقفی^(۶). که این مورد آخر نیز عمدتاً با محوریت مقبره صاحب منصبی ساخته می‌شد مثل ربع رشیدی که بر روی مقبره خواجه رشیدالدین احداث شد. در واقع عصر ایلخانی، سرآغازی دیگر در راه تولد سبک‌های جدید در معماری و طراحی فضاهای شهری است. این سبک در پی آن به وجود آمد که جامعه چوپانی مغولان یک تغییر جهت از زندگی شهر- واحه به سوی زندگی شهر- مرتع به وجود آوردند^(۷). با آن که تداوم معماری دوره قبل بود و با آن پیوستگی زیادی داشت، اما مسائل ساختمانی این دوره خیلی جدی‌تر از دوره سلجوقی دنبال شد و با موفقیت و ابتکار بیشتری همراه بود^(۸). این سبک با رشد سریع شهری به سوی آفرینش مادرشهر حرکت کرد و نمونه بارز این سبک تبریز است که تجلیگاه آرمان‌ها و تفکرات شهرسازی ایلخانان مغول است و «ابواب البر» ویژگی دیگری از آن است که با الهام از اماکن مقدس و متبرک و مراکز علمی- رفاهی که خود اینها نیز ترکیبی از بناهای با عملکردهای مختلف بودند، شکل گرفت^(۹). در این دوره هم شاهد

ساخت شهرها و شهرک‌های سلطنتی چون غازانیه و سلطانیه هستیم و هم شاهد خلق الگوهای مادرشهر استراتژیکی همچون تبریز هستیم^(۱۰) که اکثر این مجموعه بناها نیز وقفی بودند. علاوه بر سیاست‌های شهرسازی ایلخانان، عوامل دیگری نیز به رشد سریع‌تر شهرها کمک کردند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. برخورد و هم‌زیستی سیستم‌های حکومتی ایلی و شهری در شهرهای مختلف ایران در کنار پذیرش حاکمیت سیاسی مغول‌ها.

۲. تسامح مغولان در برخورد با گروه‌های دینی و فلسفی و تأثیر این سیاست بر قدرت‌یابی فرق دینی در شهرها که نمود آن در گسترش مقابر عرفا و رهبران دینی مشاهده می‌شود.

۳. ایجاد پیوند بین صوفیان با اصناف شهرها.

۴. بازتاب تفکرات اقتصادی و تجاری (تجارت بین‌الملل) ایلخانان مغول بر شهرسازی و تمرکز عمده فعالیت‌های شهرسازی در منطقه آذربایجان.

۵. اداره شهرها بر اساس قوانین یاسای چنگیزی (برخلاف دین عامه مردم)^(۱۱).



تصویر ۱- موقعیت مراغه در کریدور تبریز- مراغه- سلطانیه (جغرافیای تاریخی اسلام: ص ۸۰)

اما مغولان ایلخانی وارث بناهای وقفی سلجوقیان نیز بودند و در پی تصرفات آن‌ها بسیاری از املاک و اراضی موقوفه به وسیله ایلخانان تصرف شد. به عنوان مثال مغولان پس از تصرف فارس املاک موقوفه سادات طباطبایی را مصادره کردند و به صورت «اینجو» یعنی خالصه دیوان درآوردند^(۱۲). در سال ۶۶۲ ه.ق نخستین اداره امور اوقاف تشکیل شد، این تشکیلات تا اواخر دوران حکومت مغول‌ها برقرار بود؛ گفته شده است که خواجه نصیرالدین طوسی بانی این سازمان بوده است که در سال ۶۵۶ ه.ق برای انجام این امور به بغداد آمده است^(۱۳). اما عامل مهم گسترش بناهای وقفی در بافت شهرهای این دوره موقوفاتی بودند که برای تأمین مخارج بناهای وقفی در نظر گرفته می‌شدند که عموماً کارکرد تجاری داشتند و به این شیوه موقوفات در بافت شهرها گسترش می‌یافتند. به خصوص که بیشتر موقوفات در بازار، باغات و زمین‌های کشاورزی اطراف شهرها به وجود می‌آمدند و به رونق اقتصادی و گسترش کالبدی شهر کمک می‌کردند^(۱۴).

نحوه قرارگیری و پراکندگی بناهای وقفی در شهرهای ایران به دو نوع بوده است:

۱. الگوی غیر متشکل که در آن بناهای وقفی هیچ گونه وابستگی عملکردی و فضایی با یکدیگر ندارند و به صورت پراکنده در سطح شهر ساخته شده‌اند؛ نمونه آن بناهای موقوفه بدون رقبه است که تقریباً در تمامی محلات شهرها نمونه‌های آن دیده می‌شود.

۲. الگوی متشکل که در آن بناهای وقفی به همراه رقبات خود به صورت یک مجموعه به هم پیوسته که از نظر عملکردی و کالبدی با یکدیگر مرتبط هستند در مناطقی از سطح شهر استقرار پیدا می‌کنند. در این الگو همه عناصر مجموعه وقفی هستند و یک همبستگی در مقابل بناهای غیر وقفی از خود نشان می‌دهند که یک منطقه وسیع از شهر را دربر می‌گیرد. این الگو به دلیل عدم آمیزش با بناها و عناصر معماری غیر وقفی شهر در برابر شرایط و حوادث تاریخی و محیطی آسیب‌پذیر نشان داده‌اند، نمونه آن مجموعه ربع رشیدی و شام‌غازان در تبریز است^(۱۵).



تصویر ۳- محدوده بافت تاریخی مراغه (آرشیو اداره میراث فرهنگی مراغه)

بافت شهر مراغه در دوره اسلامی

قبل از ورود ایلخانان به صحنه سیاسی ایران، مراغه به عنوان شهری مهم در منطقه آذربایجان بوده است. در دوره ایلخانی به دلیل موقعیت طبیعی آن در دامنه کوه سهند (جنوب غرب آن)، قرار گرفتن در کنار رودخانه صوفی چای و همچنین وجود باغات انبوه در اطراف شهر، پایتخت مغولان ایلخانی شد و از این زمان به بعد در میان شهرهای ایران نام و آوازه‌ای برای خود به دست آورد. مرگ هلاکو در مراغه نیز بر اهمیت این شهر افزود^(۱۶) (تصویر ۱ و ۲)؛ چرا که محل دفن بزرگان مغول دارای تقدس خاصی بود و این را در اکثر بناهای ساخته مغول‌ها در ایران می‌توان دید^(۱۷). منابع مکتوب از قرن ۴ هـ.ق گزارش‌های مختلفی از وضعیت این شهر ارائه کرده‌اند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

ابن حوقل در قرن ۴ هـ.ق مراغه را شهری به اندازه اردبیل (مهم‌ترین شهر

آذربایجان در دوره سلجوقی) می‌داند که دارای بارو بوده و پشت آن باغستانی سرسبز قرار داشته است^(۱۸). مقدسی نیز در این راستا از قلعه و استحکامات و حومه آباد و بزرگ این شهر سخن رانده است^(۱۹). یاقوت حموی گفته است که «مراغه شهرستانی است در آذربایجان، با اهمیت و دارای بوستان‌های بسیار و میوه‌های خوب و گوارا. گروه بسیاری از دانشمندان در همه فنون از آنجا برخاسته اند»^(۲۰). وی استحکامات آن را ساخته دوران هارون الرشید و مأمون می‌داند^(۲۱). شاید بهترین و نزدیک‌ترین توصیف از مراغه مربوط به گزارشات مستوفی باشد. وی در کتاب نزهةالقلوب در مورد مراغه چنین نوشته است: «مراغه جزء اقلیم چهارم است و تومانش ۴ شهر (مراغه، دهخوارقان و دو شهر دیگر) می‌باشد»^(۲۲). مراغه شهری بزرگ است و ماقبل دارالملک آذربایجان بود. هوایش معتدل است و به عفونت مایل، جهت آن که کوه سه‌هند شمالش را مانع است و باغستان بسیار دارد و آبش از رود صافی که از سه‌هند برمی‌خیزد و به حیره چیچست می‌ریزد. بر ظاهر مراغه حکیم خواجه نصیرالدین طوسی به فرمان هلاکو رصد بسته است و اکنون خراب است»^(۲۳).



تصویر ۴- کروکی از وضعیت رصدخانه که در سال ۱۸۵۹ توسط اعتماد السلطنه ترسیم شده

است (کنکاش در بقایای رصدخانه مراغه: ص ۶۷)

در مورد بافت شهر مراغه در دوره اسلامی و به خصوص دوره ایلخانی اطلاعات زیادی در دست نیست و تنها اشارات ناقصی در مورد اتفاقات روی داده در این شهر در کتب تاریخی آمده است. آنچه مسلم است در دوره ایلخانان این شهر اهمیت بسیاری یافت و به یکی از بزرگ‌ترین و مترقی‌ترین شهرهای ایران مبدل شد (تصویر ۴ و ۳)؛ نمونه بارز آن مجموعه وقفی رصدخانه مراغه است که از زمان تأسیس تا به امروز شهرت جهانی خود را حفظ کرده است. در دوره‌های متأخرتر به خصوص دوره صفوی با ورود جهانگردان به ایران به نام مراغه در این کتاب‌ها نیز برمی‌خوریم. بر طبق این سفرنامه‌ها: مراغه در پای کوه سهند در یک دره‌ای بسیار حاصلخیز قرار دارد. شهر ناهماهنگ و بد ساخته شده است، کوچه‌های آن بسیار تنگ و تنها فضای محدود را اشغال کرده‌اند تا باغاتی را که محصول آن‌ها برای شهر یک منبع ثروت است پایمال نشود (۲۴).



تصویر ۲- نقشه محلات قدیمی مراغه (آرشیو اداره میراث فرهنگی مراغه)

بناهایی وقفی مراغه در دوره ایلخانی

به موازات رشد و توسعه بناهای شهری با محوریت سنت وقف در دوره ایلخانی، مراغه به عنوان پیشتاز این عرصه مطرح شد و این پیشتازی را با چهار بنای وقفی مهم نشان داد؛ که یکی در بیرون بافت شهر قرار داشت و مجموعه رصدخانه نام داشت و سه تای دیگر درون بافت شهر قرار داشت. رشد بناهای وقفی در این دوره به دلیل پویایی آن‌ها در دوره سلجوقی بود و ریشه در آن دوره داشتند. اما در دوره ایلخانی بناها در سطحی گسترده‌تر و در تعداد زیاد ساخته می‌شدند که در بافت شهرها و توسعه یا افول آن‌ها نقش ایفا می‌کرده‌اند (۲۵).

مجموعه وقفی رصدخانه

رصدخانه مراغه از بزرگ‌ترین یادگارهای ایلخانان است که در دوره هلاکوخان اولین ایلخان این سلسله با مدیریت دانشمند این شهر، خواجه نصیرالدین طوسی در غرب آن و بر روی تپه باستانی «رصد داغی» ساخته شده است (۲۶)؛ و معمار بزرگ آن شخصی به نام عُرُضی بوده است. مغول‌ها نه صرفاً به دلایل علمی، بلکه به خاطر علاقه‌شان به مسأله پیشگویی اقدام به ساخت یک رصدخانه کردند (۲۷)؛ در واقع رصدخانه مراغه ایستگاه اول حرکت قطار معماری و شهرسازی ایلخانان در ایران بود (تصویر ۶ و ۵).

این مجموعه بنا در بلندی تپه ماندی در غرب شهر ساخته شد که مناسب فعالیت‌های نجومی بوده است. برای اداره این مجموعه که به صورت مرکزی علمی و آموزشی بوده، موقوفات بسیاری از سوی هلاکوخان به آن اختصاص یافته بوده است (۲۸) که نمونه‌ای از آن‌ها موقوفاتی است که هر ساله از سهم دیوان تگودار به رصدخانه ارسال می‌شده است (۲۹)؛ ساختمان آن در روزگار هلاکوخان شروع اما در دوره آباقخان به اتمام رسیده است (۳۰). کتابخانه آن مشتمل بر ۴۰۰،۰۰۰ هزار جلد کتاب بوده است که نشان از وجود سازمان مفصل علمی دارد که تقریباً همه شاخه‌های

علوم زمان در آن تدریس می شده است. و مشهورترین دانشمندان عصر در آن حضور داشته‌اند^(۳۱). رصدخانه مراغه در سال ۶۵۷ ه.ق در پی انجام کاوش‌های باستانشناسی با ۱۶ واحد معماری مشخص شد: از جمله یک برج مرکزی، یک کارگاه ریخته‌گری برای ساخت ابزار و آلات نجومی، پنج برج مستقل و چند بنای بزرگ. مکان وسیع و کیفیت مواد به کار رفته در ساخت آن مثل سنگ، آجر پخته و کاشی‌های لعابدار و زرین فام نشان‌دهنده اهمیت اخترشناسی و اخترگویی در نزد مغولان شمنی مذهب است^(۳۲) (تصویر ۸ و ۷).



تصویر ۶- بازآفرینی مجموعه رصدخانه مراغه (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد)

تأسیسات رصدخانه مراغه که توسط خواجه نصیرالدین طوسی و به تشویق و حمایت هلاکو برپا شد، نخستین رصدخانه جهان اسلام به معنای واقعی کلمه است. هلاکو دستور داده بود ده درصد کل درآمدهای موقوفات ممالک محروسه ایلخانان برای هزینه در این مجموعه در نظر گرفته شود^(۳۳). کتبی از قول شمس‌الدین بن المؤید العُرضی نقل می‌کند که «خواجه، متولی جمیع اوقاف ممالک هلاکو بود و در هر شهر نایبی برای بهره‌برداری از اوقاف آن را داشت و عشر آن را می‌گرفت

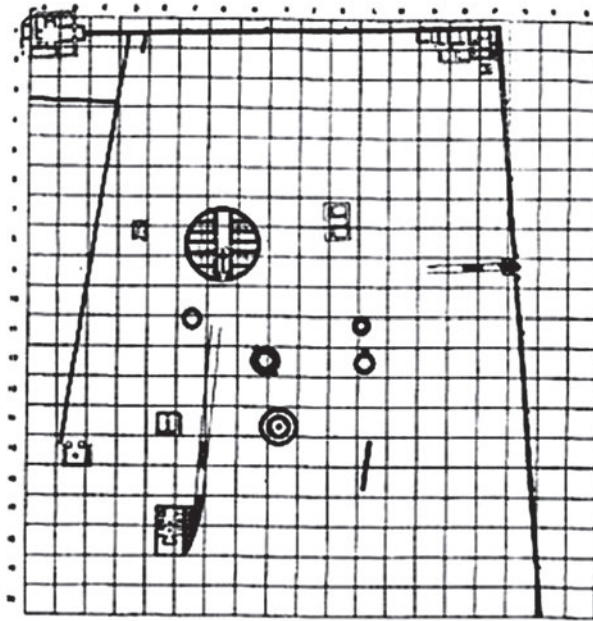
و به مصرف جامگی (اجرت) مقیمان رصدخانه و تهیه وسایل رصد می‌رسانید و مسلمین، خاصه شیعیان، علویان، حکما و جز آنان را بهره‌وفی بود. شمس‌الدین العُرضی گفته است که خواجه از هلاکو برای بنای این رصد آن قدر پول گرفته که کسی جز خدا میزان آن را نمی‌داند»^(۳۴). علاوه بر رصدخانه، بناهای دیگری نیز برای اسکان متولیان و دانشمندان رصدخانه که از کشورهای مختلف بوده‌اند، وجود داشته است.

واحدهای معماری رصدخانه بعد از کاوش‌های مرحوم پرویز ورجاوند به نام‌های زیر به دست آمده است:

۱. دیوارهای سنگ چینی نامنظم^(۳۵)، ۲. دیوار سنگ چین منظم^(۳۶) شمالی - جنوبی، ۳. دیوار سنگ چین منظم شرقی - غربی، ۴. برج مرکزی و اصلی رصدخانه، ۵. واحدهای دایره‌شکل پنج‌گانه، ۶. تالار سکودار چهارگوش، ۷. کارگاه ریخته‌گری و ساخت وسایل نجومی، ۸. کوشک ایوان دار، ۹. مدرسه، ۱۰. کتابخانه، ۱۱. بنای مسکونی دفتر کار یا استراحتگاه، ۱۲. خیابان‌های سنگفرش سطح تپه، ۱۳. مخزن نگهداری آب و ۱۴. مجموعه روستایی.

برج مرکزی رصدخانه عبارت است از یک دایره کامل که قطر داخلی آن ۲۲ متر و قطر خارجی آن ۲۳ متر است، دیواره برج اصلی به ضخامت ۸۰ سانتی متر از کف با سنگ ساخته شده است. برج دارای یک ورودی اصلی در قسمت جنوبی بوده است. راهرو مهم‌ترین واحد رصدخانه محسوب می‌شده است که عرض آن ۳/۱۰ متر است؛ در وسط راهرو سکویی به طول ۷/۵ متر وجود داشته که الآن ۲/۵ متر از آن باقی مانده است. در دو سوی راهروی مرکزی اطاق‌هایی در دو ردیف قرار دارد. مصالح به کار رفته در بنای برج عبارت است از: سنگ لاشه، سنگ قلوه، سنگ تراش و آجر در ابعاد مختلف است^(۳۷).

ارتفاع برج بیش از ۲۰ متر بوده و گنبد بالای آن دارای شکافی است که از طریق آن عمل رصد انجام می‌گرفته است. برج از بیرون نمای سه طبقه داشته است^(۳۸).

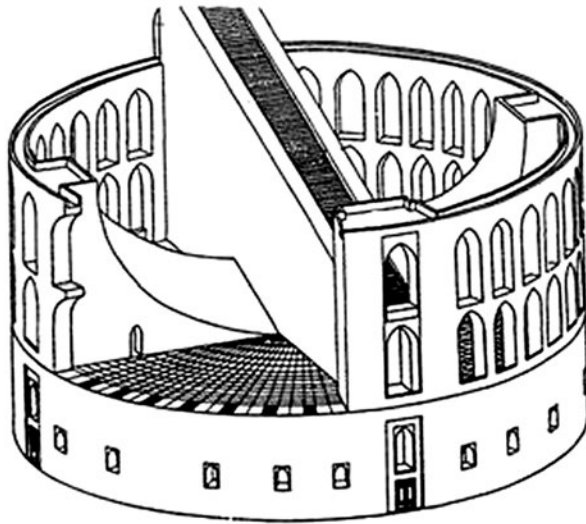


تصویر ۵- سایت رصدخانه مراغه و موقعیت واحدهای نجومی آن (مأخذ: ورجاوند)

مجموعه کوی دانشمندان رصدخانه: در پای تپه رصدخانه بناهایی است که به منظور استفاده استادان و دانشجویان برای اقامت و یا استراحت آن‌ها در نظر گرفته شده بوده است، این بناها به «سرای» معروف بوده‌اند و امکاناتی مثل مسجد، مدرسه، کتابخانه و دیگر نیازمندی‌های جانبی برای رفاه آن‌ها پیش‌بینی شده بوده است. این قسمت از تپه که می‌بایست دسترسی آسان به منابع آب می‌داشت در غرب تپه در محل روستای فعلی طالب خان احداث شده بود^(۳۹).

حوزه علمیه رصدخانه مراغه: مجموعه رصدخانه بزرگ‌ترین مرکز علمی جهان اسلام در اواسط قرن ۷ هجری بوده است؛ و چون علوم دینی و فلسفی نیز در آن آموزش داده می‌شد، بزرگ‌ترین حوزه آموزش علوم دینی نیز محسوب می‌شده است^(۴۰). خواجه از احداث این مجموعه دو هدف عمده داشته است: یکی احیای فرهنگ تشیع در ایران در غیاب دستگاه مخوف خلافت و دیگر ایجاد مرکزی علمی

با ابعاد جهانی و حداقل اسلامی است که در آن علاوه بر آموزش علوم زمان، افکار مختلف از شرق و غرب جهان مورد تبادل و بحث قرار می‌گرفته است و به نوعی گنجینه علوم و هنرهای ایران تا آن زمان محسوب می‌شده است^(۴۱).



تصویر ۷- بازسازی برج مدور در رصدخانه مراغه (مأخذ: ورجاوند)

مدرسه وقفی رشیدی

این مدرسه از جمله مدارسی است که به دستور خواجه رشیدالدین فضل‌الله در مراغه احداث شده بود. اهمیت این مدرسه از جهت وقفی بودن و گستردگی موقوفات آن است که در صفحه ۱۳ و قفنامه ربع رشیدی به آن‌ها اشاره شده است؛ «و اما املاک مراغه از کوره آذربایجان: تمامت قریه «خلیجان» نزدیک قلعه رویین دز و فاصل میان ایشان یک وادی است و این خلیجان هم از ناحیه دز جرود است با جمله حقوق و مرافق. این مواضع را از املاک مراغه این جانب استبدال کردم به یک نیمه دیه «کندرو» که در ملکیت من درآمده... و چون استبدال شرعی رفت و

این مواضع در ملک من آمد و قاضی از قضات مسلمانان نافذالحکم به صحت آن استبدال حکم کرد، تمامت این مواضع مراغه را وقف کردم بر مدرسه‌ای که در مراغه بنا کرده‌ام، وقف درست شرعی... این زمان، این مواضع وقف آن مدرسه است... کتبه الواقف فضل الله الرشید الهمدانی فی شعبان سنه ۷۱۶... و تمامت کندر و با حصه‌هایی که به من منسوب است در آن دیه وقف ربع رشیدی است بر این موجب مقرر دارند از طرفین تغییر و تبدیل نکنند»^(۴۲).

متن فوق به گسترده‌گی موقوفات مدرسه رشیدی اشاره می‌کند که ساخته خود خواجه بوده و خود بر امور آن رسیدگی می‌کرده است. احتمالاً این مدرسه نیز در هسته مرکزی شهر قرار داشته است، جایی که مسجد جامع، بازار و مقر حکومتی قرار داشتند و نقطه ثقل فعالیت‌های شهر محسوب می‌شده است.

مدرسه وقفی سیواسی

بنیانگذار این مدرسه، دانشمندی رومی به نام مجدالدین محمد بن خلیفه بن آلبارسلان سیواسی رومی بود که خود مدت‌ها در مراغه به تحصیل علوم مختلف پرداخته بود. وی در مدت اقامت خود مدرسه‌ای زیبا در کنار مسجد جامع شهر بنا کرد^(۴۳) که مورد استقبال دانشوران و دانشجویان واقع شد. سیواسی در سال ۶۸۶ هجری از جانب ارغون‌شاه مغول به حکومت فارس گمارده شد، ولی دو سال بعد به فرمان وزیر ارغون به قتل رسید^(۴۴). بنای مدرسه در هسته مرکزی شهر و چسبیده به بازار و مسجد جامع قرار داشته است.

مدرسه وقفی غفاریه

بنیانگذار این مدرسه عارف و دانشمند شیعی مذهب به نام نظام‌الدین الغفاری بود که در عهد فرمانروایی سلطان یعقوب آق قویونلو به هنگام مراجعت از سفر مکه، در سال ۸۹۶ هجری سه سال در مراغه اقامت گزید و به تعمیر مدرسه، زاویه

و عمارتی برای استراحت مسافران پرداخت و املاک و باغاتی را خریداری و برای اداره آن‌ها وقف نمود. این عمارت و مدرسه جنب آن به تناسب نام پایه‌گذار آن‌ها غفاریه نامگذاری شد. از نظام‌الدین احمد غفاری یادداشتی در کتاب لسان الغیب اثر عطار نیشابوری باقی مانده است که عبدالعلی کارنگ آن را نقل می‌کند: چون کاتب این ثلاثه شریفه از زیارت حرمین شریفین و روضه منور نبی علیه‌السلام و ائمه اثنی عشر «رضوان الله علیهم اجمعین» بازگشته متوجه خراسان بود. چون به شهر حله رسید نغارخان‌های دو طبقه عالی جهت امام الحی الحاضر القائم ابوالحسن صاحب‌الزمان محمد بن الحسن العسکری علیه‌السلام ساخت... و از آنجا چون به خطه طیبه مراغه رسیده شد سه سال پیوسته توقف کرده شد و زاویه‌ای از خالص مال خود جهت فقرا و ابنای سبیل و غیره ساخت و آن بقعه مشهور و منسوب است به غفاریه... (۴۵).

در این یادداشت به مدرسه اشاره نشده است، ولی در کتاب سفرنامه مراغه که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است به این مطلب اشاره شده است: ... یک گنبد دیگر هم در کنار شهر متصل به آبادی است که آن هم معلوم نیست که مقبره کیست، حجرات خرابه چندی متصل به اوست که در قدیم مدرسه بوده، بعدها خرابی پیدا نموده، غفار نامی آنجا را تعمیر کرده، به این جهت حال به مدرسه غفاریه اشتها دارد و در سردر مدرسه به خط ثلث نوشته شده که در زمان دولت ابوسعید بهادرخان بنا شده و نام یکی از شیوخ مالکی مذهب بر آن نوشته شده است (۴۶). از این بیان چنین بر می‌آید که این مدرسه در عصر سلطان ابوسعید بهادری (وفات ۷۳۶ هجری) آخرین ایلخان مغولی و برای علما و طلاب مالکی مذهب ساخته شده بود و در زمان نظام‌الدین احمد غفاری یعنی صد و شصت سال بعد که به خرابه‌ای تبدیل شده بود، وی آن مدرسه را تعمیر و بازسازی نمود، این مدرسه تا سال ۱۲۹۷ هجری که تاریخ کتابت سفرنامه مذکور است به صورت ویرانه باقی بود، ولی در حال حاضر هیچ اثری از آن در آن ناحیه نیست (۴۷) (۴۸).



تصویر ۸- موقعیت تقریبی بناهای وقفی مراغه بر روی نقشه هوایی
(آرشیو اداره میراث فرهنگی مراغه)
۱. مجموعه رصدخانه، ۲. مدرسه رشیدی، ۳. مدرسه سیواسی و ۴. مدرسه غفاریه

بحث و نتیجه گیری

به موازات رشد و توسعه بناهای شهری با محوریت سنت وقف در دوره ایلخانی، مراغه به عنوان پیشتاز این عرصه مطرح شد و این پیشتازی را با چهار بنای وقفی مهم نشان داد؛ رشد بناهای وقفی در این دوره استمرار پویایی آن‌ها در دوره سلجوقی بود و ریشه در آن دوره داشت. اما در عصر ایلخانان بناها در سطحی گسترده‌تر و در تعداد زیاد ساخته می‌شدند که به دلیل کثرت و پراکندگی شان در نقاط مختلف شهر، در بافت شهرها و رونق یا افول آن‌ها نقش ایفا می‌کرده‌اند.

وضعیت بافت شهر مراغه تا قبل از دوره ایلخانی چندان روشن نیست و منابع مکتوب نیز اشارات زیادی در این خصوص نکرده‌اند. اما با تعیین موقعیت بناهای مهم عصر ایلخانان همچون رصدخانه و حمام‌های درون شهری و مدارس وقفی می‌توان تصویری کلی از سازمان فضایی اولین پایتخت ایلخانان مغول به دست آورد.

مدارس از جمله بناهای وقفی بودند که در بافت ایلخانی مراغه برجسته بودند. جنبش ساخت مدارس وقفی که در دوره ایلخانی رونق یافته بود، در مراغه نیز عرض اندام می کرد و مدرسه رشیدیه مراغه نمونه بارزی از این مدارس است. مدرسه رشیدی که مطابق سنن شهرسازی ایران در دوره اسلامی در بافت شهر و در نزدیکی مسجد جامع و بازار مراغه واقع بوده است، یقیناً تأثیرات قابل توجهی بر فرم‌یابی فضاهای شهری و سیمای کالبدی آن در این قسمت بافت داشته است (تصویر ۹). اما چون به مکان دقیق این مدرسه و مساحت آن در منابع اشاره نشده است، نمی توان به بررسی دقیق تأثیرگذاری آن در توسعه کالبدی بافت شهر پرداخت. مدارس وقفی دیگر مثل مدرسه سیواسی و غفاریه نیز چنین وضعیتی دارند. اغلب این مدارس به دلیل ماهیت مذهبی و سیاسی که داشتند در بافت مرکزی شهر شکل گرفته اند و همین مسأله بعدها عامل تخریب آن‌ها از سوی پیروان دیگر مذاهب نیز شده است. از طرف دیگر بنای این مدارس به دلیل شتاب در ساخت آن‌ها، از استحکام لازم نیز برخوردار نبودند و به مرور ایام از بین رفته اند. اما قطعا در دوره ایلخانی بخشی از رونق و توسعه شهر مراغه مدیون همین بناهای وقفی بوده است (تصویر ۱۰).

جدول ۲- بناهای وقفی مراغه

بنای وقفی	موقعیت در شهر	تأثیر کالبدی	توضیحات خاص
مجموعه رصدخانه	غرب حومه شهر	گسترش شهر به سمت غرب	بیانگر عظمت و شکوه دولت ایلخانی، نشانگر آرمانگرا بودن خان‌های مغولی
مدرسه رشیدی	کنار مسجد جامع	توسعه و نوسازی مرکز شهر	گسترده‌گی موقوفات و رقبات آن در سطح شهر و شهرهای دیگر
مدرسه سیواسی	هسته مرکزی	توسعه مکان‌های آموزشی شهر	ماهیت علمی آن بر دیگر کارکردهایش برتری دارد
مدرسه غفاریه	شمال شهر	توسعه و نوسازی شمال شهر	شیعی بودن بانی آن بیانگر سیاست تسامح‌گرایانه ایلخانان

بنای رصدخانه هر چند حدود ۵ کیلومتر مربع از بافت مرکزی شهر فاصله داشته است، لیکن به هنگام ورود به شهر در غرب آن خودنمایی می‌کرده و تأثیر بصری مجموعه بر بافت شهر مشهود بوده است، چرا که این بنا بر روی بلندی کوه رصدداغی واقع شده بود و از هر نقطه شهر قابل مشاهده بود. بنایی که امروزه نیز با وجود تخریب و ویرانی آن همچنان در قسمت مرتفع شهر عنصر هویت بخش آن محسوب می‌شود و به نوعی شناسنامه فیزیکی شهر نیز به شمار می‌رود. بنابراین با چنین سلطه بصری بر شهر، بی‌تردید رصدخانه می‌توانسته در جهت‌دهی به توسعه فضاهای شهری به سمت غرب اثرگذار باشد. احتمالاً در دوره ایلخانی برای سهولت در رفت و آمد به این مجموعه بنا راهی مناسب ساخته شده بوده است که هر روزه از طریق آن افراد به داخل شهر رفت و آمد می‌کرده‌اند. همین راه امروزه تبدیل به یکی از خیابان‌های اصلی شهر^(۴۹) شده است و بناهای شهر در این قسمت در اطراف آن ساخته شده‌اند و تا نزدیکی بنای رصدخانه گسترش پیدا کرده‌اند. مهم‌ترین کارکردهای کالبدی مجموعه رصدخانه در بافت شهر بدین شرح است:

۱. تلفیق سه موضوع مهم سیاست، علم و مذهب در قالب یک مجموعه بنا.
۲. عامل افزایش جمعیت شهر با توجه به گستردگی امکانات و خدمات علمی و آموزشی آن و جنبه بین‌المللی مجموعه.
۳. جهت‌دهی بافت شهر به سمت غرب و جنوب غرب.
۴. تأثیر نمادین بر سازمان فضایی شهر با قرار گرفتن در نقطه مرتفع آن.
۵. اختصاص عرصه بزرگی از حومه شهر به کاربری آموزشی، درمانی و خدماتی (بیمارستان و مرکز آموزش پزشکی، اقامتگاه‌های مسافران و مهمانان).
۶. از طریق ایجاد مکان‌های رفاهی در مجموعه، بیانگر جنبه‌های بین‌المللی شهر مراغه و دولت ایلخانی بوده است.
۷. الگویی برای ساخت مجموعه بناهای وقفی در دیگر شهرهای ایران دوره ایلخانی محسوب می‌شود.

۸. نمونه بارزی از پیوند و ارتباط تنگاتنگ وقف و شهرسازی بوده است.
۹. بیانگر شکوه و عظمت ایلخانان مغولان در زمان اوج فتوحات آنها در آسیا بوده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی از دانشگاه تهران.
۲. دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
۳. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۴۰-۳۹، ص ۳۹.
۴. بررسی جایگاه وقف در شکل‌یابی بافت شهری و فضاهای معماری عصر ایلخانان، بهزاد مهدی زاده، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
۵. مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز، ص ۹۰۳.
۶. تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار، ص ۳۲۱.
7. The Mongol Capital of Sultaniyya, The imperial: 139.
۸. معماری ایران، ص ۱۸۸.
۹. مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۴، ص ۷۴.
۱۰. ایران در اوایل عهد ایلخانان - رنسانس ایرانی، ص ۱۵.
۱۱. مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۳، ص ۹.
۱۲. بررسی جایگاه وقف بر شکل‌یابی بافت شهری و فضاهای معماری عصر ایلخانان، ص ۹۲.
۱۳. تاریخ العراق بین احتلالین، ص ۲۴۷.
۱۴. فصلنامه میراث جاویدان، سال ۱۷،

- شماره ۶۸، ص ۴۴.
۱۵. فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۸، شماره ۳۰، ص ۹۸.
۱۶. بررسی جایگاه وقف بر شکل یابی بافت شهری و فضاهای معماری عصر ایلخانان، ص ۱۲۱.
۱۷. شهرهای ایران، ص ۵۲۱.
۱۸. صورة الارض، ص ۹۹.
۱۹. احسن التقاسیم فی معرفة الاقاسیم، ص ۵۵۳.
۲۰. مُعجم البدان (جلد اول، بخش اول)، ص ۱۷۲.
۲۱. همان، ص ۱۷۲.
۲۲. اصطلاح تومان لغتی ترکی است که در دوره اسلامی رایج بوده است و مترادف با اصطلاح شهرستان یا ولایت است و برای مشخص کردن حدود و مرزهای واحدهای جغرافیایی به کار می‌رفته است و القابی مثل امیرتومان، میر تومان و تومان سالار نیز به جای حاکم یا استاندار به کار می‌رفته‌اند (نگاه کنید به: کتاب مراغه اثر یونس مروارید، صفحه ۳۹).
۲۳. نزهة القلوب، ص ۱۷۶.
۲۴. تاریخ مراغه به روایت تصویر، ص ۹.
۲۵. صفت و ویژگی بارز ابنیه وقفی، همان وقفی بودن آن‌هاست که باعث ماندگاری آن‌ها می‌شود و در این حالت بر بافت شهر اثر می‌گذارد. والا اطلاق «وقف» بر یک بنا به مانند اطلاق یک عنصر و سازه معماری مثل طاق یا گنبد نیست.
۲۶. بررسی مجموعه علمی - مذهبی و تحقیقاتی ربع رشیدی، ص ۹۲.
۲۷. بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی، ص ۱۶۸.
۲۸. احمد تگودار دومین ایلخان بود و در سال ۶۸۰ ه.ق جانشین هلاکو شد.
۲۹. مجله وقف میراث جاویدان، سال ۱۳، شماره ۴۹، ص ۸۴.
۳۰. تذکرة الشعراء، ص ۳۷۹.
۳۱. نشریه وقف میراث جاویدان، سال ۴، شماره ۲، ص ۷۸.
۳۲. کاوش در رصدخانه مراغه، ص ۱۶۹.
۳۳. تاریخ و صاف، ص ۱۱۵.
۳۴. تاریخ ادبیات در ایران، ص ۲۵۸.
۳۵. عملکرد دیوار نامنظم به صورت ایجاد حصارِ دورِ رصدخانه به خصوص در بخش ورودی به مجموعه بوده است.
۳۶. عملکرد دیوار منظم برای استفاده در کارهای مربوط به رصد آسمان بوده است.
۳۷. کاوش در رصدخانه مراغه، صص ۱۶۹-۲۴۲.
۳۸. دلیل سه طبقه بودن آن را رصدخانه سمرقند می‌دانند که بر طبق الگوی مراغه‌ای ساخته شده و از بیرون سه طبقه بر روی هم دارد.
۳۹. نشریه وقف میراث جاویدان، سال ۴، شماره ۲، ص ۷۸.
۴۰. دین و دولت در ایران عهد مغول، ص ۵۷.

۴۱. بررسی جایگاه وقف بر شکل یابی بافت شهری و فضاهای معماری عصر ایلخانان، ص ۱۲۵.
۴۲. وقفنامه ربع رشیدی، ص ۱۱۳.
۴۳. مجمع الآداب فی المعجم القاب، ص ۲۳۲.
۴۴. لغت نامه دهخدا، ص ۱۷۹۲۱.
۴۵. ابنیه و آثار تاریخی مراغه، ص ۵۶.
۴۶. مدارس و مراکز علمی مراغه، صص ۴۶-۴۷.
۴۷. همان، ص ۴۸.
۴۸. منبع اصلی جمله: سفرنامه مراغه، نسخه خطی ۳۶۴۷، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، صص ۴۶-۴۷.
۴۹. خیابان دارایی.

منابع:

۱. ابنیه و آثار تاریخی مراغه، عبدالعلی کارنگ؛ تبریز، اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، ۱۳۵۰.
۲. احسن التقاسیم فی معرفة الاقاسیم، ابو عبدالله محمد مقدسی؛ ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
۳. ایران در اوایل عهد ایلخانان- رنسانس ایرانی، لین جورج؛ ترجمه س. ا. رضوی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۴. بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی، محمد علی کی نژاد و زهرا بلالی اسکویی؛ نشر متن، ۱۳۹۰.
۵. بررسی موقوفات ایران در قرون ۸ تا ۶ هجری، آن لمبتون؛ کرک نیوتون؛ ترجمه مجتبی کیانی، مجله وقف میراث جاویدان، سال ۱۳، شماره ۴۹، ۱۳۸۴.
۶. بررسی مجموعه علمی- مذهبی و تحقیقاتی ربع رشیدی، جواد شکاری نیری؛ پایان نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.
۷. بررسی جایگاه وقف بر شکل یابی بافت شهری و فضاهای معماری عصر ایلخانان، بهزاد مهدی زاده؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۲.
۸. تاریخ العراق بین احتلالین، عباس

- تا اصفهان، از ایلخانان تا صفویان، حسن کریمیان؛ زهرا ابطحی و رضا سلمانپور؛ مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ۱۳۹۰.
۱۹. ساختار حیات شهری در عصر ایلخانان، سید ابوالفضل رضوی، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۳، مرداد ماه، ۱۳۸۷.
۲۰. شرایط تداوم موقوفات در موقعیت بحران جامعه شهری ایران، شهرام یوسفی فر؛ معصومه یدالله پور؛ فصلنامه میراث جاویدان، سال ۱۷، شماره ۶۸، ۱۳۸۸.
۲۱. شهرهای ایران، جلدهای ۱، ۲ و ۳، محمدیوسف کیانی؛ تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
۲۲. صورة الارض، محمد ابن حوقل؛ ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
۲۳. کاوش در رصدخانه مراغه، پرویز ورجاوند؛ چاپ اول، تهران، نشر امیر کبیر، ۱۳۶۶.
۲۴. لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا؛ زیر نظر جعفر شهیدی و محمد معین، تهران، موسسه لغت‌نامه دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۵. مجمع الآداب فی المعجم القاب، کمال الدین ابن فوطی بغدادی؛ الغراوی؛ چاپ بغداد، ۱۹۳۵ م.
۹. تاریخ و صاف: در احوال سلاطین مغول، و صاف الحضرة (فضل الله شیرازی)؛ تهران، نشر ابن سینا، ۱۳۳۸.
۱۰. تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار، جهانشاه پاکزاد؛ تهران، نشر آرمانشهر، ۱۳۹۰.
۱۱. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا؛ تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
۱۲. تاریخ مبارک غازانی، خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی؛ به تصحیح کارل یان، نشر پرسش، ۱۳۸۸.
۱۳. تاریخ مراغه به روایت تصویر، مسعود غلامیه؛ تهران، نشر اوحدی، ۱۳۸۵.
۱۴. تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی، برنامه ریزی فضایی - کالبدی راهبردی جدید در توسعه و بهره‌وری بهینه موقوفات، محمود محمدی؛ فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۸، شماره ۳۰، ۱۳۷۹.
۱۵. تذکرة الشعراء، دولتشاه سمرقندی؛ به اهتمام ادوارد براون، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.
۱۶. تصحیح سفرنامه مراغه، ناشناس؛ میراث اسلامی ایران، ۱۳۷۶.
۱۷. دین و دولت در ایران عهد مغول، شیرین بیانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۱۸. دو شهر، دو شیوه، دو مکتب: از تبریز

۳۳. یافته‌هایی از طرح شنب غازان، پدیده شهری عصر ایلخانی به نام ابواب البر، جواد شکاری نیری؛ هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان، ۱۳۸۴.
34. The Mongol Capital of Sultaniyya , The imperial, Sheila Blair, S. iran, vol. 24, London: British Institute of Persian Studies, pp. 139-151, 1986.
- تحقیق محمد الکاظم، تهران، موسسه الطباعة و النشر وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۶هـ.ق.
۲۶. مدارس و مراکز علمی مراغه، محمود طیار مراغی؛ نشریه وقف میراث جاویدان، سال ۴، شماره ۲، ۱۳۷۵.
۲۷. معماری ایران، آرتور اپهام پوپ؛ ترجمه غلامحسین صدری افشار، نشر اختران، ۱۳۸۲.
۲۸. مُعجم البدان (جلد اول، بخش اول)، یاقوت حَمَوی؛ ترجمه علینقی منزوی، تهران، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستانشناسی، ۱۳۸۰.
۲۹. مراغه (افرازه رود)، یونس مروارید، یونس؛ بی نا، ۱۳۶۰.
۳۰. نقش وقف در ایجاد بناهای مذهبی و میراث‌های هنری و معماری جهان، محمدتقی سالک بیرجندی؛ مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۴۰-۳۹، سال ۱۰، ۱۳۸۱.
۳۱. نزهة القلوب، حمدالله مستوفی، به اهتمام و تصحیح گای لیسترانج، نشر دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
۳۲. وقفنامه ربع رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی؛ به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶.